

عوامل اجتماعی موثر بر آزار جنسی غیر کلامی زنان معلول استان مازندران

آفاق رستمیان^۱

علی رحمانی فیروزجاه^۲

علی اصغر عباسی اسفنجیر^۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۱۰/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۴

چکیده

در جامعه ما پژوهش‌های تجربی پیرامون عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر آزارهای جنسی از جمله آزار جنسی غیر کلامی (فیزیکی و غیر فیزیکی) در بین زنان معلول از فراوانی چندانی برخوردار نمی‌باشد؛ لذا در این پژوهش، آزار جنسی غیر کلامی در رابطه با زنان معلول استان مازندران مورد ارزیابی قرار گرفت. جمعیت پژوهش تمامی زنان و دختران معلول استان مازندران به تعداد ۹۴۱۷ نفر است که نهایتاً ۳۴۳ پرسشنامه مورد توصیف و تحلیل قرار گرفت. چارچوب نظری مبتنی بر نظریه فعالیت روزمره و سبک زندگی بوده است. روش تحقیق، پیمایشی بوده و داده‌ها از طریق پرسشنامه گردآوری و در فضای SPSS تحلیل شد. نتایج آمارهای توصیفی بیانگر این امر بوده که ۵۰/۴ درصد پاسخگویان در سطح متوسطی مورد آزار جنسی غیر کلامی قرار گرفته‌اند. نتایج آزمون رگرسیون نشان داد که متغیر سبک زندگی با مقدار ضریب رگرسیونی (۰/۴۴۵) و اثر مثبت و مستقیم بیش‌ترین تأثیر را بر آزار جنسی غیر کلامی زنان معلول استان مازندران داشته است. همچنین متغیرهای اهداف مناسب با میزان ضریب رگرسیونی ۰/۱۶۷ و اثر مثبت و مستقیم و نیز حضور محافظ توانمند با ضریب رگرسیونی ۰/۱۱۵ با دارا بودن اثر منفی و معکوس هر کدام به صورت جداگانه بر آزار جنسی غیر کلامی زنان معلول اثر معنادار داشته و در نتیجه فرضیه‌های مربوط به اثرگذاری هر یک از متغیرهای مذکور به لحاظ تجربی تأیید شد. نتایج پژوهش حاکی از تأیید مفروضات نظریه فعالیت روزمره و سبک زندگی بوده است.

واژگان کلیدی: آزار جنسی غیر کلامی، سبک زندگی، اهداف مناسب، حضور محافظ توانمند، معلولیت.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی ایران، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۲- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران. (نویسنده مسئول). arf1348@gmail.com

۳- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

مقدمه

طی دو دهه اخیر، پژوهش‌ها در مورد مزاحمت‌های جنسی در کشورهای غربی افزایش یافته است؛ این در حالی است که در ایران، اگرچه زنان به طور مکرر مزاحمت جنسی در مکان‌های عمومی را تجربه می‌کنند، اما گزارشات یا کارهای علمی کمی در این باره یافت شده است. دلیل این امر، این است که صحبت کردن درباره موضوعات جنسی در ایران، هنوز یک تابو است و این اعتقاد وجود دارد که مسائل مرتبط با موضوعات جنسی باید در پوششی از سکوت باقی بمانند (لهسایی‌زاده و یوسفی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۹). آزار و مزاحمت جنسی به عنوان یکی از مشکلات مربوط به زنان، تاریخی طولانی دارد (ویکز و همکاران، ۱۹۸۶، به نقل از سی‌ویر، ۱۹۹۹: ۴۷۰). علاوه بر این تنها در چند دهه گذشته، این مسئله از یک مشکل خصوصی پنهان، زشت و در اکثر موارد کشف‌نشده، به صورت یک مسئله اجتماعی و عمومی تبدیل شده است (سی‌ویر، همان).

مزاحمت‌های جنسی، بر روی دیدگاه زنان نسبت به جامعه تأثیر می‌گذارد و منجر می‌شود که آنان در خانه بمانند. این امر این پیام را به زنان می‌دهد که آن‌ها متعلق به فضای خصوصی خانه هستند (لهسایی‌زاده و یوسفی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۹). به علاوه این مزاحمت‌ها، نقش‌های جنسیتی انعطاف‌ناپذیر و سلسله مراتبی را مستحکم می‌کند (همان). در مجموع، در بعد پیامدهای اجتماعی این مزاحمت‌ها می‌توان به کاهش مشارکت اجتماعی زنان، آشفتگی در روابط اجتماعی، تأثیر منفی در فرآیند جامعه‌پذیری، کاهش حساسیت‌ها و افزایش بی‌تفاوتی اجتماعی، ترویج فساد اخلاقی و تبدیل آن به ارزش‌های اجتماعی و کاهش ارزش‌های اخلاقی اشاره کرد (آقاجانی، ۱۳۸۳).

در بسیاری از مطالعات انجام گرفته به مباحث تغییر پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان، خشونت علیه زنان، حقوق زنان، نابرابری‌های مختلف جنسیتی، قدرت زنان، زندگی روزمره زنان و غیره پرداخته شده است، اما یکی از حوزه‌هایی که تا حدودی کمتر به آن توجه شده، مطالعه‌ی زنانی است که به لحاظ جسمی و ذهنی دچار معلولیت هستند (رضائی و پرتوی، ۱۳۹۴: ۸).

هیوانبر و همکاران (۱۹۹۹) در تحقیقی پی بردند که دانشجویان معلولی که مشکلات روان‌شناختی دارند، بیش‌تر از دیگر دانشجویان معلول در مورد نداشتن امنیت در روابط بین‌فردی فکر می‌کنند و بیش‌تر انتظار خصومت دارند. به عقیده تامسون و همکاران زنان معلول از جمله گروه‌هایی هستند که در بسیاری از جوامع از جمله ایران نه تنها در حیطه‌ی زندگی اجتماعی و اقتصادی بلکه در حوزه‌ی مطالعات علمی علوم اجتماعی نیز به آن‌ها توجه می‌شود. اهمیت این موضوع بیش‌تر به دلیل اهمیت مفهوم طردشدگی است و این امر به نوعی گروه اجتماعی معلولین را نیز در بر گرفته است؛ چرا که خود معلولیت می‌تواند دلیلی برای محرومیت باشد (همان: ۹).

زنان معلول در رویارویی با معلولیت از زمان آغاز شناخت از بدن خود با نوعی چالش و کلنجار ذهنی دست و پنجه نرم می‌کنند. مشاهده وضعیت جسمانی خود توأم با نوع یا انواعی از نقص یا ناتوانی در

عوامل اجتماعی موثر بر آزار جنسی غیر کلامی زنان معلول استان مازندران

زندگی فردی، برای زنان معلول چالش بزرگی به حساب می‌آمده، به ویژه زمانی که درک این وضعیت جسمانی در ارتباط با دیگری به صورت یک امر اجتماعی درآمده است (همان: ۲۶). معلولین نیز همچون دیگر اشخاص جامعه نسبت به مشکلات احاطه‌کننده روابط جنسی آسیب‌پذیرند. از جمله این مشکلات می‌توان به آزار، تجاوز و خشونت خانگی اشاره نمود (سابسی، ۱۹۹۴). به نظر می‌رسد سوء استفاده جنسی از افراد دارای معلولیت یک مسئله بسیار شایع در جامعه معاصر باشد. هر چند به نظر می‌رسد که بسیاری از موارد آزار یا گزارش نمی‌شود و یا برای دیگران غیر از قربانی و مهاجم ناشناخته باقی می‌ماند، اما با این حال میزان آزار جنسی کودکان دارای معلولیت و تجاوز جنسی به بزرگسالان دارای معلولیت بالاست. دووست (۱۹۸۶) در تحقیقی نشان داد که این احتمال وجود دارد زنان دارای انواع معلولیت همانند کودکان در حدود یک و نیم برابر نسبت به زنان فاقد معلولیت مورد سوءاستفاده جنسی قرار گیرند (کرافت، ۱۹۹۴: ۹۱).

سیمسون و بست از ۸۵ زن معلول کانادایی مصاحبه بعمل آوردند و بیش از ۷۰ درصد گزارش دادند که قربانی آزار جنسی بوده‌اند. از این میان بیش از نیمی پاسخگویان بیش‌تر از یک بار مورد آزار جنسی قرار گرفته بودند (سیمسون و بست، ۱۹۹۱). چمبرلین و همکاران (۱۹۸۴) در مطالعه خود نشان دادند که ۲۵ درصد از تعداد ۸۷ زن و دختر ۱۱ الی ۲۳ ساله دارای معلولیت ذهنی سابقه آزار جنسی داشته‌اند (سابسی، ۱۹۹۴). گرچه زنان معلول اشکال مشابهی از سوءاستفاده را که زنان غیرمعلول نیز با آن برخورد می‌کنند، تجربه می‌کنند اما برخی از انواع آزارها به دلیل محدودیت‌هایی که معلولیت ایجاد می‌کند، منحصر به زنان معلول می‌باشد (گلیسون و دیگران، ۲۰۰۱).

به علت ضرورت مسئله و کمبود پژوهش‌ها در این زمینه، شیوع گسترده این پدیده، دینی بودن جامعه ایران که چنین رفتارهای غیردینی و اخلاقی در آن قبحی دوچندان دارد، و با توجه به پیامدهای فراوان فردی و اجتماعی این امر، مسئله پژوهش حاضر این است تا به بررسی جامعه‌شناختی آزار جنسی غیر کلامی و عوامل اجتماعی موثر بر آن در میان زنان معلول بپردازد. لازم به ذکر است که؛ پژوهش‌های تجربی در جامعه ما پیرامون آزارهای جنسی از جمله آزار جنسی غیر کلامی (فیزیکی و غیرفیزیکی) در بین زنان به صورت عام و زنان معلول به صورت خاص از فراوانی چندانی برخوردار نمی‌باشد؛ در این پژوهش، آزار جنسی غیر کلامی در رابطه با زنان معلول استان مازندران مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت و به منظور فهم دقیق‌تر این پدیده، متحملین و قربانیان (زنان) مطالعه خواهند شد و میزان شیوع، نوع و علل مزاحمت‌ها و آزارهای جنسی غیر کلامی نسبت به زنان معلول، سنجیده شده است.

نگاه اجمالی به ادبیات آزار جنسی به نحو بارزی نشان می‌دهد که اگر چه شیوع سوء استفاده در زنان به‌طور کلی مورد مطالعه قرار گرفته شده است، اما تنها چند مطالعه شیوع سوء استفاده در زنان معلول را مورد بررسی قرار داده است. با وجود اینکه مطالعات خارجی نشان می‌دهد که میزان سوء استفاده زنان دارای معلولیت در مقایسه با جمعیت عمومی بالاتر است، اما هم‌چنان کمبود توجه به این موضوع ادامه دارد. لذا

با توجه به گستردگی مزاحمت‌های آزار جنسی غیر کلامی اعم از فیزیکی و غیرفیزیکی علیه زنان و خلأ پژوهشی در این زمینه به ویژه در داخل کشور و نیز قبح فرهنگی و مذهبی این پدیده در جامعه، پژوهش حاضر قصد دارد تا به بررسی و تحلیل اجتماعی این پدیده شایع منحصرأ در استان مازندران به عنوان یک مسئله اجتماعی بپردازد.

در پژوهش حاضر از رویکردهای نظری فعالیت‌روزمه و سبک زندگی به عنوان چارچوب نظری استفاده شده و فرضیه‌های پژوهش برآمده از نظریه‌های مذکور است. نظریه فعالیت روزمره که گاهی اوقات به عنوان نظریه سبک زندگی نیز شناخته می‌شود نخستین بار توسط لارنس کوهن و مارکوس فلسون در سال ۱۹۷۹ جهت تبیین افزایش نرخ جرم و جنایت طی دهه ۱۹۷۰ معرفی و مطرح شد (فلسون ۱۹۹۴؛ ۱۹۹۸). به دلیل تأکید و تمرکز بر سبک زندگی و فعالیت‌های روزمره قربانیان، بسیاری از جرم‌شناسان معتقدند که نظریه فعالیت روزمره در واقع، نظریه جرم محسوب نمی‌گردد بلکه نظریه‌ای پیرامون قربانی شدن می‌باشد. در کانون نظریه فعالیت روزمره سه اصل اساسی وجود دارد که اغلب به عنوان مثلث جرم معرفی می‌شوند. بدان معنا که، هر زمانی که این سه عنصر در یک محیط اجتماعی و در کنار هم وجود داشته باشند، جرم اتفاق می‌افتد. جرم به عنوان رخدادی در نظر گرفته می‌شود که هم نیازمند قربانی و هم مجرم می‌باشد. نخستین عنصر ضروری در مثلث جرم، انگیزه مجرمان می‌باشد. این تأکید در خصوص انگیزه مجرمان، می‌تواند به این سوال پاسخ دهد که چرا فعالیت روزمره به عنوان نظریه‌ای برای بررسی قربانی شدن شناخته شده است تا مجرم شدن. در این رویکرد مفروض بر این گرفته شد که عوامل فراوانی وجود دارد که انگیزه ارتکاب جرم را فراهم می‌آورند. بنابراین رویکرد، هنگامی که فرصت مناسب وجود داشته باشند، افراد مرتکب رفتار مجرمانه می‌شوند (براون و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۷۱).

در نظریه فعالیت روزمره، حضور اهداف مناسب دومین ضلع از مثلث قربانی شدن / مجرم شدن می‌باشد. عنصر ارزشمندی باید به صورت بالقوه (نهانی) در اختیار متخلفان باشد. این امر می‌تواند اموال و یا فعالیت‌های ارض‌کننده‌ای هم‌چون خشم و نفرت، دنبال نمودن هیجان یا تحقق نیاز جنسی یا سائقه‌های دیگر باشد. به‌طور خلاصه، چیز ارزشمندی باید وجود داشته باشد که فرد ارزش آن را محاسبه کند و در نهایت خود را برای متخلف شدن آماده سازد.

مثلث جرم با سومین عنصر تکمیل می‌گردد. این عنصر عبارت است از عدم نظارت دقیق (عدم وجود نگرهبان). به عبارت دیگر، نه افرادی وجود داشته باشند و نه عواملی که از شخص و یا اموال آسیب‌پذیر محافظت کنند. بنابراین حضور نگرهبان و ناظر ممکن است این تخلفات را دور سازد که البته این امر به زمینه‌های مختلفی بستگی دارد. به عبارت دقیق‌تر، انگیزه ارتکاب جرم در خصوص اهداف مشخص، زمانی محقق می‌شود که نگرهبان یا مراقب وجود نداشته باشد. کوهن و فلسون ادعا می‌نمایند که برخی از تغییرات اجتماعی که در زندگی روزمره اتفاق افتاده‌اند منجر به این امر شده‌اند که جرم به راحتی اتفاق

افتند. برای مثال، آن‌ها استدلال می‌کنند که حضور زنان در محیط‌های شغلی افزایش یافته است و این امر منجر به این وضعیت می‌گردد که خانه در طول روز تنها و بدون نگهبان رها شود و بنابراین، فرصت ارتکاب جرم را برای سارقین فراهم سازد. نیز، افزایش جابجایی و تحرک مکانی منجر به این امر می‌شود که افراد بیش‌تر در معرض خطر قربانی شدن قرار گیرند (همان: ۱۷۳-۱۷۲).

نظریه سبک زندگی در واقع در یکی از زیرمجموعه‌های جرم‌شناسی، یعنی بزه‌دیده‌شناسی ظهور کرده است. مطابق این رویکرد، برخی افراد به شیوه‌ای زندگی می‌کنند که بزه‌دیدگی برای آن‌ها افزایش می‌یابد. بنابراین در این حالت، برخی سبک‌های زندگی فرصت‌های جرم را ایجاد می‌کنند و احتمال قربانی شدن را نیز افزایش می‌دهند (بنت، ۱۹۹۸). نظریه سبک زندگی در جرم‌شناسی بر این فرض استوار است که احتمال بزه‌دیدگی افراد به واسطه وقوع جرم، بر اساس میزان قرارگرفتن آن‌ها در موقعیت‌های پرخطر که مجرمان بالقوه در آن‌جا حضور دارند، متفاوت است (فلسون، ۱۹۹۴). اساس نظریه سبک زندگی این است که جرم یک اتفاق تصادفی نیست بلکه تابعی از سبک زندگی قربانی است. به عنوان مثال، به دلیل شیوه زندگی و آرایش جمعیتی، محیط‌های دانشگاهی دارای تمرکز بالایی از زنان می‌باشد که ممکن است در مقایسه با زنان در کل جامعه بیش‌تر در معرض خطر تجاوز و سایر انواع آزارهای جنسی قرار داشته باشد (سیگل، ۲۰۰۷: ۷۷). نظریه سبک زندگی به این امر پرداخته‌اند که سبک زندگی قربانیان عامل مهمی در قربانی شدن آن‌ها می‌باشند. چه سبک زندگی قربانیان یا فعالیت‌های روزمره آنان در داشتن تعطیلات مکرر، ترک کردن خانه صورت گیرد، مسئولیت قانونی و اخلاقی مجرم بدون تغییر است. سبک زندگی منحرفانه نسبت به سبک زندگی هم‌نواپانه، بیش‌تر منجر به قربانی شدن می‌گردد. این امر دلیلی است که نشان می‌دهد چرا گروه سنی بزرگسالان کمتر قربانی می‌شوند و جوانان بیشتر قربانی جرایم می‌شوند. اما باید توجه نمود که توجه به قربانیان نباید منجر به بی‌توجهی از مجرم شود و این امر هیچ مسئولیتی را از متخلفان دور نمی‌سازد. با این وجود، میزان تقصیر یا مسئولیت شخصی می‌تواند از طریق رفتارهای قربانیان استنباط شود و یک بحث ایدئولوژیکی را در مورد سرزنش قربانی راه‌اندازی کند (فلسون و بورچفیلد، ۲۰۰۴).

در نظریه سبک زندگی قربانیان، دو عنصر در معرض خطر قرار گرفتن و سبک زندگی پرخطر نقش مهمی در تبیین قربانی شدن فرد دارند. به منظور بررسی تأثیر بالقوه که در معرض خطر قرار گرفتن ممکن است بر خطر قربانی شدن داشته باشد؛ معیارهای ذیل در نظر گرفته شده است.

یکی از مؤلفه‌هایی که سبب در معرض خطر قرار گرفتن معلولین شود، اشتغال زنان است. افراد دارای معلولیت ممکن است موانع اشتغال را تجربه کنند و شاغل بودن فرد را ملزم به شرکت در فعالیت‌هایی در خارج از خانه می‌کند که ممکن است خطر برخورد با متخلف با انگیزه را افزایش دهد و در نتیجه ممکن است خطر قربانی شدن را افزایش دهد.

دومین مؤلفه‌ای که سبب در معرض خطر قرار گرفتن معلولین می‌شود، مدت زمانی است که دور از خانه سپری می‌شود؛ این متغیر مجموعه‌ای از فعالیت‌های افرادی است که گزارش داده‌اند در طی ۱۲ ماه گذشته در فعالیت‌هایی از جمله بازدید از دوستان، رفتن به تعطیلات، گذراندن وقت با خانواده، شرکت در کار خیریه یا کار داوطلبانه، بازدید از کتابخانه یا آرشیوها، مراجعه به موزه‌ها یا مکان‌های دیدنی تاریخی، رفتن به تئاتر یا فعالیت‌های هنری دیگر و ورزش کردن و ... مشغول بودند. این مجموعه فعالیت‌ها برای سنجش الگوهای زندگی استفاده می‌شود که باعث می‌شود افراد زمان بیشتری را خارج از خانه خود بگذرانند. تحقیقات متعدد حاکی از آن است که گذراندن زمان خارج از خانه و معاشرت با دیگران ممکن است خطر قربانی شدن را افزایش دهد (گان، ۲۰۱۸: ۲۵).

دومین عنصر نظریه سبک زندگی که بر قربانی شدن فرد تأثیر می‌گذارد، انجام رفتارهای پرخطر می‌باشد. به عبارت واضح‌تر، افرادی که سبک زندگی پرخطر دارند - نوشیدن الکل، مصرف مواد مخدر، ارتکاب جرم و ... - احتمال اینکه قربانی اعمال مجرمانه شوند، بیش‌تر است. در این راستا گروه‌هایی که زندگی بسیار پرخطری دارند، در معرض خطر بالای قربانی شدن قرار دارند. هم‌چنین مطابق این نظریه احتمال قربانی شدن پسران نوجوان بیش‌تر از سایرین می‌باشد؛ زیرا شیوه زندگی آن‌ها هم در مدرسه و هم در صورت ترک مدرسه، آن‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد. آنها وقت زیادی را در کنار دوستان خود می‌گذرانند و به تفریح و سرگرمی می‌پردازند و در صورت بزه‌کار بودن یا منحرف بودن دوستان یا گذراندن اوقات در مناطق پرخطر یا جرم خیز، آنها نیز در معرض خطر خواهند بود. قرار گرفتن در معرض خشونت و ارتباط با همالان خشن و بزه‌کار، جوانان را به سبک زندگی دچار می‌کند که خطر قربانی شدن آنها را افزایش می‌دهد. خطرات شیوه زندگی انحرافی به دوره جوانی ختم نمی‌شود و فرد را حتی در دوران بزرگسالی نیز درگیر می‌کند (سیگل، ۲۰۰۷: ۷۸).

با توجه به مطالعات پیشین و بر اساس چارچوب نظری ارائه شده فرضیه‌های زیر را می‌توان مطرح کرد:

- ۱- سبک زندگی بر آزار جنسی غیرکلامی زنان معلول استان مازندران اثرگذار است.
- ۲- اهداف مناسب بر آزار جنسی غیرکلامی زنان معلول استان مازندران اثرگذار است.
- ۳- حضور محافظ توانمند بر آزار جنسی غیرکلامی زنان معلول استان مازندران اثرگذار است.

روش

در پژوهش حاضر از روش پیمایش مقطعی استفاده شده است. به منظور گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. به این صورت که متغیرهای مطرح شده در تحقیق به طور سیستماتیک به معرف‌ها و سوالات مناسب برگردانده شده و در قالب پرسشنامه تخصصی تنظیم شده‌اند. سپس از طریق مصاحبه با پاسخگویان اطلاعات موردنظر جمع‌آوری گردید. پرسشنامه طرح شده حاوی سوالات بسته بوده است. جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی زنان و دختران معلول استان مازندران می‌باشد که با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و موقعیت جغرافیایی استان مازندران به چهار

عوامل اجتماعی موثر بر آزار جنسی غیر کلامی زنان معلول استان مازندران

نقطه - ساری، بابل، بهشهر و نور- تقسیم و برای تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی ساده استفاده شده است. به این ترتیب که به علت محدودیت مالی و عدم امکان مطالعه تمامی شهرها و احتمال تفاوت‌هایی بین شهرهای شرق، مرکز و غرب استان، ابتدا استان به سه قسمت مساوی (شرق، غرب، مرکز) تقسیم شد؛ سپس چهار نقطه (ساری، بهشهر، بابل و نور) از این سه قسمت بصورت تصادفی برای مطالعه انتخاب شده‌اند. در نهایت پرسشنامه‌ها از طریق الکترونیک ارسال گردید. در مجموع ۹۴۱۷ نفر از زنان دارای معلولیت شهرهای مزبور، به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند. حجم نمونه برحسب خطای نمونه‌گیری در سطح اطمینان ۹۵ درصد ۳۶۹ نفر در نظر گرفته شد. از آنجایی که همواره احتمال مخدوش شدن پرسشنامه‌ها از سوی پاسخگویان وجود دارد، تعداد ۴۰۰ پرسشنامه از طریق الکترونیک در بین افراد توزیع شد و پس از کنار نهادن پرسشنامه‌های مخدوش نهایتاً ۳۴۳ پرسشنامه مورد توصیف و تحلیل قرار گرفت.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها:

آزار جنسی غیر کلامی؛ در این پژوهش آزار جنسی غیر کلامی به عنوان متغیر وابسته در بردارنده ابعاد غیرفیزیکی و فیزیکی است. بر طبق نظر استانکو (۱۹۹۸) آزار جنسی غیر کلامی توجه جنسی ناخواسته است و اشکال رفتاری متنوعی دارد که از راه چشم (نگاه هیز)، لفظی (جوک‌ها، سوال‌ها یا اظهار نظرها با مضمون جنسی) فشار ناخواسته برای قرار ملاقات، لمس ناخواسته، فشار ناخواسته برای موافقت با رابطه جنسی با استفاده از تهدید صورت می‌پذیرد (صادقی و رجب‌لاریجانی، ۱۳۸۹: ۱۱۶). این مقیاس به وسیله رجب‌لاریجانی (۱۳۸۹)، در بین زنان شاغل شهر تهران و کردی و حسینی (۱۳۹۴) در بررسی انواع آزار جنسی مورد آزمون قرار گرفته است. هم‌چنین در پژوهش حاضر، از پرسشنامه پژوهشی که هانتز (۲۰۱۲) در بین زنان ۱۸ تا ۵۹ ساله شهر استانبول انجام داد، استفاده شد. در این پژوهش، آزار جنسی غیر کلامی با معرف‌هایی به شرح جدول ذیل مشخص گردیده است.

جدول (۱): آزار جنسی غیر کلامی و مؤلفه‌های آن

متغیر وابسته	ابعاد	معرف‌ها
غیر فیزیکی		نگاه هیز و شهوت‌آلود
		چشم‌جرائی
		چشمک زدن
		نشان دادن تصاویر نامناسب جنسی
آزار جنسی غیر کلامی		نگاه خیره (معنی دار)
		تحقیر جنسی
		لمس کردن ناچور و نامناسب بدن، دست و ...
		نوازش کردن
		نزدیک شدن زیاد به فرد
		مرفتن دست‌ها
		مجبور به لمس کردن بدن دیگران
فیزیکی		برقراری رابطه جنسی بدون رضایت
		برخورد جنسی به زور

سبک زندگی؛ در این پژوهش سبک زندگی به عنوان متغیر مستقل، مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره است که مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌ها و بنابراین، برخوردار از نوعی وحدت است (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۲۱). در پژوهش حاضر سبک زندگی از ترکیب دو شاخص ساخته شده است که فرآیند عملیاتی‌سازی آن در جدول شماره ۲ مشخص گردیده است.

جدول (۲): سبک زندگی و مؤلفه‌های آن

متغیر مستقل	ایجاد	معرف‌ها
سبک زندگی	مواجهه (در معرض بودن)	اشغال مدت زمانی که خارج از خانه سپری می‌شود زندگی در مناطق جرم خیز عضویت در گروه‌های بزه کار
	انجام رفتار پرخطر	مصرف مشروبات الکلی یا مواد مخدر فرار از خانه ارتکاب جرم انحراف جنسی

اهداف مناسب؛ در پژوهش حاضر اهداف مناسب به عنوان متغیر مستقل مدنظر بوده است. منظور از اهداف مناسب این است که برای مجرم بالقوه باید چیز با ارزشی وجود داشته باشد که می‌تواند اموال جذاب باشد و یا روزنه‌ای برای فعالیت‌های احساسی رضایت‌بخش از قبیل بیان خشم و نفرت، پیگیری هیجان و یا انجام فعالیت‌های جنسی و سایر مؤلفه‌ها (براون و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۷۳). در پژوهش حاضر اهداف مناسب از ترکیب سه شاخص ساخته شده است که فرآیند عملیاتی‌سازی آن در جدول شماره ۳ مشخص گردیده است.

جدول (۳): اهداف مناسب و مؤلفه‌های آن

متغیر مستقل	ایجاد	معرف‌ها
اهداف مناسب	آسیب‌پذیری هدف	عدم موفقیت شغلی عدم موفقیت تحصیلی
	قابلیت دسترسی به هدف (مطلوبیت هدف)	داشتن علاقه بارز معلولیت ضعف جسمانی کوچک بودن چنه اضافه وزن داشتن ناتوانی در حرکت و جابجایی
خصوصیت نسبت به هدف		کمک گرفتن از دیگران در انجام کار روزمره
		کمک گرفتن از دیگران در تهیه غذای روزانه کمک گرفتن از دیگران در پوشیدن لباس

حضور محافظ توانمند؛ در پژوهش حاضر حضور محافظ توانمند به عنوان متغیر مستقل به معنای وجود شخص، شیء یا حیوانی است که حضور موثر آن موجب بازدارندگی از جرم‌شود. محافظت فقط با

عوامل اجتماعی موثر بر آزار جنسی غیر کلامی زنان معلول استان مازندران

اشخاص صورت نمی‌گیرد و می‌تواند شامل اشیاء ملموس مثل قفل درها، دوربین‌ها، زنگ‌های هشدار دهنده، نرده‌های اطراف خانه‌ها نیز باشد و مجرم را از ارتکاب به عمل باز دارد (بروان و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۷۳؛ برانیک، ۲۰۱۴). فرآیند عملیاتی‌سازی متغیر حضور محافظ توانمند در جدول شماره ۴ ارائه گردیده است.

جدول (۴): حضور محافظ توانمند و مؤلفه‌های آن

متغیر مستقل	ابنات	معرف‌ها
حضور محافظ توانمند	فیزیکی	درب قفل دار
		آیفون
		حیوان خانگی
		گشت پلیس
		محیط مناسب
اجتماعی		شرایط زندگی تنها یا زندگی با والدین/ مراقب
		افرادی که با آن‌ها احساس نزدیکی و راحتی دارد (کیفیت رابطه)
		نظارت خانواده
		حمایت و تحسین خانواده و دوستان

در این پژوهش جهت تعیین اعتبار ابزار پژوهش از اعتبار سازه نظری استفاده شده است. در اعتبار سازه، مفهوم و مقیاس یا سازه تحقیق باید با روابط مدنظر در نظریه‌ها یا تحقیقات انجام گرفته قبلی هماهنگ باشد. اگر مفهوم، مقیاس یا سازه تحقیق، روابط یا جهت‌های پیش‌بینی شده در تحقیقات انجام گرفته قبلی را نشان دهد، بر اساس اعتبار سازه، آن مفهوم و مقیاس مدنظر اعتبار دارد (علیوردی‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۱۳). در این تحقیق، برای مشخص نمودن پایایی از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که نتایج آن در جدول ارائه شده است. برای بررسی پایایی ترکیبی هر یک از سازه‌ها از ضریب CR استفاده می‌شود. مقادیر قابل پذیرش CR باید $0/6$ یا بیشتر باشند. مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از $0/7$ نشان‌گر پایایی قابل قبول است. در جدول (۵) مقدار ضریب آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و AVE (متوسط واریانس استخراج شده که باید بزرگ‌تر از $0/5$ باشد) آورده شده است که نشان دهنده مناسب بودن پایایی متغیرهای تحقیق در کل می‌باشد.

جدول (۵): مقادیر پایایی متغیرهای تحقیق

متغیرها	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی (CR)	AVE
آزار جنسی کلامی	۰/۸۸	۰/۹۴	۰/۸۳
آزار جنسی غیر کلامی	۰/۸۹	۰/۹۶	۰/۸۴
آسیب پذیری هدف	۰/۸۸	۰/۹۴	۰/۷۵
قابلیت دسترسی به هدف (مطلوبیت هدف)	۰/۸۶	۰/۹۶	۰/۹۲
خصوصیت نسبت به هدف	۰/۸۷	۰/۹۵	۰/۸۵
حضور محافظ توانمند فیزیکی	۰/۸۳	۰/۹۳	۰/۸۴
حضور محافظ توانمند اجتماعی	۰/۸۴	۰/۹۶	۰/۸۷
سبک زندگی مواجهه (در معرض خطر بودن)	۰/۸۲	۰/۹۳	۰/۹۲
سبک زندگی انجام رفتار پرخطر	۰/۸۶	۰/۹۴	۰/۸۹

برای ارزیابی روایی مدل تحقیق در مرحله اول سوالات در اختیار متخصصان برای نظردهی قرار گرفت که تمامی سوالات پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. معیار دوم از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری انعکاسی، روایی همگرا است که به بررسی میزان همبستگی هر متغیر مکنون با سوالات (شاخص‌های) خود می‌پردازد. وجود این همبستگی برای اطمینان از این که آزمون آن‌چه را که باید سنجیده شود می‌سنجد، ضروری است. با توجه به نتایج تحلیل عاملی کلیه شاخص‌ها از ۱/۹۶ بزرگتر بوده و با احتمال ۹۵ درصد معنادار می‌باشند که روایی همگرایی مدل پژوهش را تأیید می‌کند. برای همگن بودن نیز باید کلیه بارهای عاملی بزرگتر از ۰/۳ باشند که اطلاعات تحلیل عاملی تأییدی این مورد را نیز تأیید می‌کند. به عنوان سومین شاخص برای ارزیابی روایی همگرا از معیار متوسط واریانس استخراج شده (AVE¹) استفاده گردید. AVE میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با شاخص‌های خود است. به بیان ساده تر AVE میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌های خود را نشان می‌دهد که هر چه این همبستگی بیشتر باشد برازش نیز بیشتر است. AVE برابر یا بالاتر از ۰/۵ روایی همگرایی کافی را تضمین می‌کند که ملاحظه می‌شود همه متغیرها در دامنه قابل قبول قرار دارند. علاوه بر سه معیار فوق یک معیار تأییدی دیگر روایی همگرا، پایایی ترکیبی می‌باشد که برای هر یک از عوامل جهت تأیید روایی همگرا باید بزرگتر از میانگین واریانس استخراجی باشد (CR>AVE). با مقایسه این دو به وضوح دیده می‌شود که برای تمامی متغیرهای مکنون برونزا، مقدار CR از مقدار AVE بزرگتر است و شرط چهارم روایی همگرا نیز برقرار است. در نهایت با توجه به چهار تست فوق می‌توان نتیجه گرفت که مدل پژوهش از روایی همگرایی مناسبی برخوردار می‌باشد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی؛ اغلب پاسخگویان معادل ۴۸/۱ درصد مجرد؛ ۴۰/۲ درصد متأهل بودند. ۱۰/۸ درصد نیز گزینه سایر را انتخاب کردند. ۴۴ درصد از آزمودنی‌های پژوهش، دارای مدرک تحصیلی کارشناسی بودند. پس از آن، اغلب پاسخگویان که برابر با ۲۲/۷ درصد از کل پاسخگویان را تشکیل دادند، دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر بودند. سومین گروه از پاسخگویان به لحاظ فراوانی در میزان تحصیلات پاسخگویانی بودند که دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم بودند. پس از آن، افراد دارای مدرک تحصیلی دیپلم (۱۰/۸)؛ راهنمایی و دبیرستان (۵/۸)، ابتدایی (۱/۷) به لحاظ فراوانی در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. در مقابل کمترین تعداد پاسخگویان را افرادی تشکیل دادند که در پاسخ به متغیر تحصیلات گزینه بی‌سواد را انتخاب کردند (۰/۹). در خصوص محل سکونت باید اشاره نمود که، اغلب پاسخگویان که معادل ۳۹/۶۵ درصد آزمودنی‌های پژوهش را تشکیل دادند، ساکن شهر ساری، ۳۰/۰۳ درصد ساکن شهر بابل، ۱۸/۹۵ درصد ساکن شهر بهشهر بودند. در مقابل افراد ساکن شهر نوشهر

1- Average Variance Extracted

عوامل اجتماعی موثر بر آزار جنسی غیر کلامی زنان معلول استان مازندران

۱۱/۳۷ درصد از کل پاسخگویان را تشکیل دادند که کمترین میزان فراوانی را در بین پاسخگویان این پژوهش به خود اختصاص داد. متغیر نوع معلولیت پاسخگویان در جدول زیر مشخص شده است.

جدول (۶): توزیع فراوانی و درصدی متغیر نوع معلولیت پاسخگویان

نوع معلولیت	فراوانی	درصد فراوانی
شنوایی	۷۸	۲۲/۷
بینایی	۴۶	۱۳/۴
اختلال در گفتار	۶۱	۱۷/۸
جسمی-حرکتی	۸۰	۲۳/۳
ذهنی	۳۵	۱۰/۲
سایر	۴۳	۱۲/۵
جمع کل	۳۴۳	۱۰۰

مطابق جدول فوق، اغلب پاسخگویان که معادل ۲۳/۳ درصد آزمودنی‌های این پژوهش را تشکیل دادند، دچار معلولیت جسمی-حرکتی بودند. پس از آن، اغلب پاسخگویان که برابر با ۲۲/۷ درصد از کل پاسخگویان را تشکیل دادند، دچار معلولیت شنوایی بودند. سومین گروه از پاسخگویان به لحاظ فراوانی در نوع معلولیت، پاسخگویانی بودند که دچار اختلال در گفتار بودند (۱۷/۸ درصد). پس از آن، افراد دچار معلولیت بینایی ۱۳/۴ درصد از کل پاسخگویان را تشکیل دادند و پاسخگویان دچار سایر معلولیت‌ها ۱۲/۵ درصد را به خود اختصاص دادند. در مقابل افراد دچار معلولیت ذهنی ۱۰/۲ درصد از کل پاسخگویان را تشکیل دادند که معلولیت مذکور کمترین میزان فراوانی را در بین پاسخگویان این پژوهش به خود اختصاص داد. همچنین متغیر شدت معلولیت پاسخگویان در جدول زیر مشخص شده است.

جدول (۷): توزیع فراوانی و درصدی متغیر شدت معلولیت پاسخگویان

شدت معلولیت	فراوانی	درصد فراوانی
خیلی شدید	۶۸	۱۹/۸
شدید	۱۰۹	۳۱/۸
متوسط	۹۲	۲۶/۸
خفیف	۵۲	۱۵/۲
خیلی خفیف	۲۲	۶/۴
جمع کل	۳۴۳	۱۰۰

مطابق با جدول بالا، اغلب پاسخگویان که معادل ۳۱/۸ درصد آزمودنی‌های این پژوهش را تشکیل دادند، دچار معلولیت شدید بودند. پس از آن، اغلب پاسخگویان که برابر با ۲۶/۸ درصد از کل پاسخگویان را تشکیل دادند، دچار معلولیت متوسط بودند. سومین گروه از پاسخگویان به لحاظ فراوانی در شدت معلولیت، پاسخگویانی بودند که دچار معلولیت خیلی شدید بودند (۱۹/۸ درصد). پس از آن، افراد دچار معلولیت خفیف ۱۵/۲ درصد از کل پاسخگویان را تشکیل دادند. در مقابل افراد دچار معلولیت خیلی خفیف ۶/۴ درصد از کل پاسخگویان را تشکیل دادند که شدت معلولیت مذکور کمترین میزان فراوانی را در بین پاسخگویان این پژوهش به خود اختصاص داد.

توصیف متغیر آزار جنسی غیر کلامی و ابعاد آن؛ مطابق اعداد مندرج در جدول، اکثر پاسخگویان ۵۰/۴ درصد در متغیر آزار جنسی غیر کلامی در طیف متوسط قرار داشته و پس از آن ۴۴/۶ درصد در طیف کم قرار دارند. در مقابل ۰/۵ درصد در طیف زیاد قرار دارند. هم‌چنین در بُعد آزار جنسی فیزیکی ۷۰/۸ درصد میزان فراوانی درصدی شاخص مزبور را در سطح کم و ۲۷/۷ درصد در سطح زیاد و در نهایت ۱/۵ درصد میزان فراوانی آن را در سطح زیاد اعلام نمودند. در شاخص آزار غیر فیزیکی، ۵۲/۸ درصد در سطح کم، ۴۳/۴ درصد در سطح متوسط و ۳/۸ درصد آن را سطح زیاد تجربه نمودند.

جدول شماره (۸): توزیع فراوانی و درصدی متغیر آزار جنسی به تفکیک ابعاد آن

درصد فراوانی	فراوانی	آزار جنسی غیر کلامی
۴۴/۶	۱۵۳	کم
۵۰/۴	۱۷۳	متوسط
۵/۰	۱۷	زیاد
۱۰۰	۳۴۳	جمع کل
درصد فراوانی	فراوانی	بُعد فیزیکی آزار جنسی
۷۰/۸	۲۴۳	کم
۲۷/۷	۹۵	متوسط
۱/۵	۵	زیاد
۱۰۰	۳۴۳	جمع کل
درصد فراوانی	فراوانی	بُعد غیر فیزیکی آزار جنسی
۵۲/۸	۱۸۱	کم
۴۳/۴	۱۴۹	متوسط
۳/۸	۱۳	زیاد
۱۰۰	۳۴۳	جمع کل

آزمون نرمال بودن متغیرها: برای استفاده از تکنیک‌های آماری ابتدا باید نوع توزیع داده‌های جمع‌آوری شده مشخص گردد، در صورت نرمال بودن توزیع داده‌های جمع‌آوری شده برای آزمون فرضیه‌ها می‌توان از آزمون‌های پارامتری استفاده نمود، بدین منظور در این مرحله به بررسی نتایج حاصل از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف در مورد هر یک از متغیرها می‌پردازیم و بر اساس نتیجه حاصل از این آزمون، آزمون مناسب برای بررسی صحت و سقم فرضیات تحقیق را انتخاب می‌کنیم.

جدول (۹): نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف متغیرها

متغیرها	Sig	تحلیل
اهداف مناسب	۰/۵۶۸	دارای توزیع نرمال است
حضور محافظه توانمند	۰/۲۸۹	دارای توزیع نرمال است
سبک زندگی	۰/۶۰۲	دارای توزیع نرمال است
آزار جنسی غیر کلامی	۰/۴۰۰	دارای توزیع نرمال است

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، سطوح احتمال (مقدار P) در کلیه متغیرهای تحقیق، بزرگ‌تر از سطح خطا ۰/۰۵ می‌باشد. با توجه به مقدار P توزیع داده‌ها منطبق بر توزیع نرمال قلمداد می‌گردد. در نتیجه، در آزمون فرضیات تحقیق از آزمون پارامتریک (پیرسون و رگرسیون) استفاده شده است.

یافته‌های تبیینی

فرضیه اول؛ بین آزار جنسی غیر کلامی و متغیرهای مستقل (سبک زندگی، اهداف مناسب و حضور محافظ توانمند) رابطه معناداری وجود دارد.

بر اساس سطح معناداری بدست آمده (۰/۰۰۰) بر اساس اعداد R پیرسون بدست آمده (۰/۴۷۵) در سطح سنجش فاصله‌ای ارتباط مستقیم و مثبت میان دو متغیر سبک زندگی و آزار جنسی غیر کلامی معلولان تأیید شده است. همچنین بر اساس اعداد R پیرسون بدست آمده (۰/۱۶۸) در سطح سنجش فاصله‌ای ارتباط مستقیم و مثبت میان دو متغیر اهداف مناسب و آزار جنسی غیر کلامی معلولان تأیید شده است. همچنین بر اساس اعداد R پیرسون بدست آمده (۰/۱۶۱) در سطح سنجش فاصله‌ای و همچنین سطح معناداری مشاهده شده (کمتر از ۰/۰۵) ارتباط منفی و معکوس بین دو متغیر حضور محافظ توانمند و آزار جنسی غیر کلامی مورد تأیید قرار گرفت.

جدول (۱۰): آزمون همبستگی متغیر آزار جنسی غیر کلامی و متغیرهای مستقل (سبک زندگی، اهداف مناسب و حضور محافظ توانمند)

متغیر وابسته	متغیر مستقل	تعداد	سطح معناداری (Sig)	ضریب همبستگی
آزار جنسی غیر کلامی	سبک زندگی	۳۴۳	۰/۰۰۰	۰/۴۷۵
آزار جنسی غیر کلامی	اهداف مناسب	۳۴۳	۰/۰۰۲	۰/۱۶۸
آزار جنسی غیر کلامی	حضور محافظ توانمند	۳۴۳	۰/۰۰۳	-۰/۱۶۱

در جدول زیر نتایج حاصل از آزمون رگرسیونی چند متغیره جهت تبیین متغیر وابسته آزار جنسی غیر کلامی بیان شده است. با توجه به سطوح معنی‌داری مندرج در جدول می‌توان نتیجه گرفت که متغیر سبک زندگی با مقدار بتای ۰/۴۴۵ و تأثیرگذاری مثبت و مستقیم بیشترین تأثیر را بر آزار جنسی غیر کلامی پاسخگویان داشته است. دومین متغیر به لحاظ تأثیر گذاری متغیر اهداف مناسب با مقدار بتای ۰/۱۶۷ و تأثیر مثبت و مستقیم بر آزار جنسی غیر کلامی پاسخگویان است. در ادامه با مشاهده اعداد واقع در جدول، در می‌یابیم که متغیر حضور محافظ توانمند با مقدار بتای ۰/۱۱۵ و سطح معناداری ۰/۰۴۹ اثر منفی معناداری بر آزار جنسی غیر کلامی پاسخگویان داشته است.

جدول (۱۱): آزمون رگرسیونی تبیین کننده آزار جنسی غیر کلامی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	ضریب استاندارد		سطح معناداری
			Beta	B	
سبک زندگی	آزار جنسی غیر کلامی	343	۰/۴۴۵	۰/۴۷۲	۰/۰۰۰
اهداف مناسب		۳۴۳	۰/۱۶۷	۰/۳۶۱	۰/۰۰۱
حضور محافظ توانمند		۳۴۳	-۰/۱۱۵	-۰/۱۳۵	۰/۰۴۹

فرضیه دوم؛ بین آزار جنسی غیرفیزیکی و متغیرهای مستقل (سبک زندگی، اهداف مناسب و حضور محافظ توانمند) رابطه معناداری وجود دارد.

بر اساس اعداد R پیرسون بدست آمده (۰/۴۲۲) در سطح سنجش فاصله‌ای ارتباط مستقیم و مثبت میان دو متغیر سبک زندگی و آزار جنسی غیرفیزیکی معلولان تأیید شده است. همچنین بر اساس اعداد R پیرسون بدست آمده (۰/۱۴۳) در سطح سنجش فاصله‌ای ارتباط مستقیم و مثبت میان دو متغیر اهداف مناسب و آزار جنسی غیرفیزیکی معلولان تأیید شده است. در مورد فرضیه سوم تحقیق نیز بر اساس اعداد R پیرسون بدست آمده (۰/۲۵۶) در سطح سنجش فاصله‌ای و همچنین سطح معناداری مشاهده شده (کمتر از ۰/۰۵۰) ارتباط بین دو متغیر حضور محافظ توانمند و آزار جنسی غیرفیزیکی مورد تأیید قرار گرفت.

جدول (۱۲): آزمون همبستگی متغیر آزار جنسی غیرفیزیکی و متغیرهای مستقل (سبک زندگی، اهداف مناسب و حضور محافظ توانمند)

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	سطح معناداری (Sig)	ضریب همبستگی
سبک زندگی	آزار جنسی غیرفیزیکی	۳۴۳	۰/۰۰۰	۰/۴۲۲
اهداف مناسب	آزار جنسی غیرفیزیکی	۳۴۳	۰/۰۰۸	۰/۱۴۳
حضور محافظ توانمند	آزار جنسی غیرفیزیکی	۳۴۳	۰/۰۰۰	۰/۲۵۶

در جدول زیر نتایج حاصل از آزمون رگرسیونی چند متغیره جهت تبیین متغیر وابسته آزار جنسی غیر فیزیکی بیان شده است. با توجه به سطوح معنی‌داری مندرج در جدول می‌توان نتیجه گرفت که متغیر سبک زندگی با مقدار بتای ۰/۳۶۷ و تأثیرگذاری مثبت و مستقیم بیش‌ترین تأثیر را بر آزار جنسی غیر فیزیکی پاسخگویان داشته است. دومین متغیر به لحاظ تأثیرگذاری متغیر حضور محافظ توانمند با مقدار بتای ۰/۲۰۸ و تأثیر منفی و معکوس بر آزار جنسی غیر فیزیکی پاسخگویان است. در ادامه با مشاهده اعداد واقع در جدول، در می‌یابیم که متغیر اهداف مناسب با مقدار بتای ۰/۱۶۸ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ در اثرگذاری بر آزار جنسی غیر فیزیکی پاسخگویان در جایگاه سوم واقع شده است.

جدول (۱۳): آزمون رگرسیونی تبیین کننده آزار جنسی غیر فیزیکی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	ضریب استاندارد		سطح معناداری
			Beta	B	
سبک زندگی	آزار جنسی غیرفیزیکی	۳۴۳	۰/۳۶۷	۰/۱۳۶	۰/۰۰۰
اهداف مناسب		۳۴۳	۰/۱۶۸	۰/۰۹۲	۰/۰۰۱
حضور محافظ توانمند		۳۴۳	-۰/۲۰۸	-۰/۱۰۳	۰/۰۰۰

فرضیه سوم؛ بین آزار جنسی فیزیکی و متغیرهای مستقل (سبک زندگی، اهداف مناسب و حضور محافظ توانمند) رابطه معناداری وجود دارد.

بر اساس اعداد R پیرسون بدست آمده (۰/۴۵۶) در سطح سنجش فاصله‌ای ارتباط مستقیم و مثبت میان دو متغیر سبک زندگی و آزار جنسی فیزیکی معلولان تأیید شده است. همچنین بر اساس اعداد R پیرسون بدست آمده (۰/۱۶۵) در سطح سنجش فاصله‌ای ارتباط مستقیم و مثبت میان دو متغیر اهداف مناسب و آزار جنسی فیزیکی معلولان تأیید شده است. در مورد فرضیه سوم تحقیق نیز بر اساس اعداد R پیرسون بدست آمده (۰/۰۶۷) در سطح سنجش فاصله‌ای و همچنین سطح معناداری مشاهده شده (بیش‌تر از ۰/۰۵۰) ارتباط بین دو متغیر حضور محافظ توانمند و آزار جنسی فیزیکی مورد تأیید قرار نگرفت.

جدول (۱۴): آزمون همبستگی متغیر آزار جنسی فیزیکی و متغیرهای مستقل (سبک زندگی، اهداف مناسب و حضور محافظ توانمند)

متغیر وابسته	متغیر مستقل	تعداد	سطح معناداری (Sig)	ضریب همبستگی
سبک زندگی	آزار جنسی فیزیکی	۳۴۳	۰/۰۰۰	-۰/۴۵۶
اهداف مناسب	آزار جنسی فیزیکی	۳۴۳	۰/۰۰۲	-۰/۱۶۵
حضور محافظ توانمند	آزار جنسی فیزیکی	۳۴۳	-۰/۰۹۹	-۰/۰۶۷

در جدول زیر نتایج حاصل از آزمون رگرسیونی چند متغیره جهت تبیین متغیر وابسته آزار جنسی فیزیکی بیان شده است. با توجه به سطوح معنی‌داری مندرج در جدول می‌توان نتیجه گرفت که متغیر سبک زندگی با مقدار بتای ۰/۴۴۲ و تأثیرگذاری مثبت و مستقیم بیش‌ترین تأثیر را بر آزار جنسی فیزیکی پاسخگویان داشته است. دومین متغیر به لحاظ تأثیرگذاری متغیر اهداف مناسب با مقدار بتای ۰/۱۵۰ و تأثیر مثبت و مستقیم بر آزار جنسی فیزیکی پاسخگویان است. در ادامه با مشاهده اعداد واقع در جدول، در می‌یابیم که متغیر حضور محافظ توانمند با مقدار بتای ۰/۰۸۲ و سطح معناداری ۰/۵۴۱ اثر معناداری بر آزار جنسی فیزیکی پاسخگویان نداشته است.

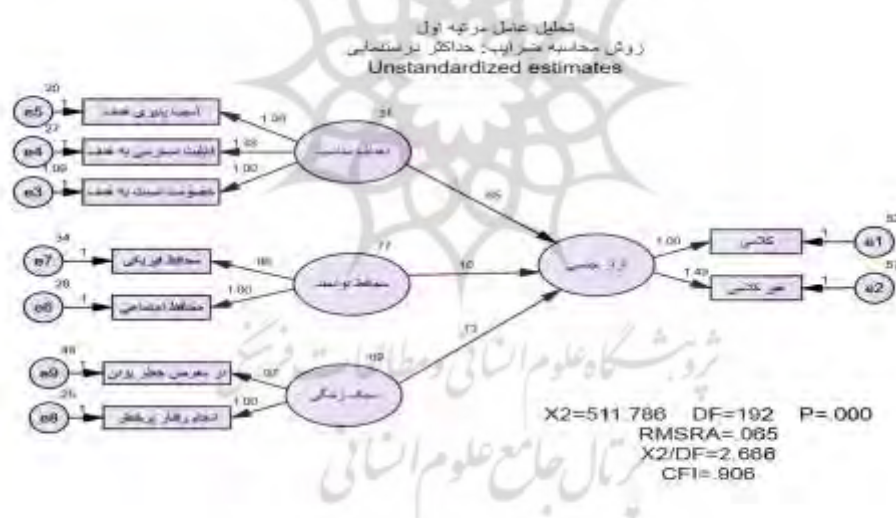
جدول (۱۵): آزمون رگرسیونی تبیین‌کننده آزار جنسی فیزیکی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	ضریب استاندارد		سطح معناداری
			Beta	B	
سبک زندگی	آزار جنسی	343	۰/۴۴۲	-۰/۳۳۶	۰/۰۰۰
اهداف مناسب	فیزیکی	۳۴۳	۰/۱۵۰	-۰/۱۶۹	۰/۰۰۲
حضور محافظ توانمند		۳۴۳	-۰/۰۸۲	-۰/۰۳۱	۰/۵۴۱

مدل معادلات ساختاری؛ مطابق داده‌های جدول زیر مقدار RMSEA بدست آمده مقدار ۰/۰۶ می‌باشد که با توجه به مقدار استاندارد کمتر از ۰/۱، مطلوب می‌باشد. مقدار کای دو به درجه آزادی ۲/۶۶۶ و کوچک‌تر از ۳ است. همچنین شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، برابر با ۰/۹۰ در حد بسیار مطلوب قرار دارند. داده‌های جدول بالا نشان می‌دهند که معادلات ساختاری از برازش و نیکویی کافی برخوردار است. زیرا اغلب مؤلفه‌ها نمره مطلوبی را به دست آورده‌اند. لازم به ذکر است که علاوه بر فرضیه‌های بیان شده رابطه‌های دیگری نیز میان مؤلفه‌های هر یک از متغیرها با یکدیگر وجود دارد که وجود آن‌ها نیز ثابت شده است. در این جدول، آماره‌های مختلفی برای سنجش برازش مدل طراحی شده، به کار رفته‌اند که همگی حاکی از تأیید مدل می‌باشند.

جدول (۱۶): آزمون‌های آماری برای سنجش نیکویی برازش مدل ترسیمی

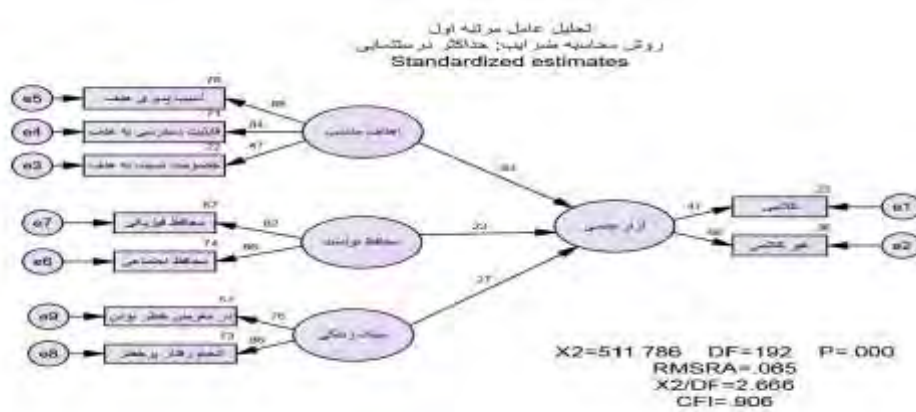
SRMR	PCFI	PNFI	PRATIO	RFI	IFI	GFI	CFI	NFI	RMSEA	X2/df	مدل
< ۰/۸	≥ ۰/۶	≥ ۰/۶	≥ ۰/۵۰	≥ ۰/۶	≥ ۰/۹	≥ ۰/۹	≥ ۰/۹	≥ ۰/۹	< ۰/۱	< ۳	میزان قابل قبول
۰/۰۲	۰/۷۲	۰/۸۳	۰/۷۱	۰/۹۶	۰/۹۸	۰/۹۶	۰/۹۰	۰/۹۲	۰/۰۶	۲/۶۶۶	محاسبه شده



شکل (۱): مدل غیر استاندارد معادله ساختاری پژوهش

1- Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

عوامل اجتماعی موثر بر آزار جنسی غیر کلامی زنان معلول استان مازندران



شکل (۲): مدل استاندارد معادله ساختاری پژوهش

داده‌های بالا نشان می‌دهند که مدل طراحی شده توسط محقق، برازش کافی را دارا می‌باشد. بنابراین با توجه به نتایج زیر که از خروجی نرم افزار آموس ۲۵ بدست آمده است، برازش مناسب مدل را نتیجه می‌گیریم. جداول زیر محدوده دامنه شاخص و نیکویی برازش را نشان می‌دهند.

جدول (۱۷): بار عاملی ابعاد متغیر وابسته برازش شده

بار عاملی	متغیرها
۰/۴۷	آزار جنسی کلامی
۰/۶۰	آزار جنسی غیر کلامی
۰/۸۹	آسیب پذیری هدف
۰/۸۴	قابلیت دسترسی به هدف (مطلوبیت هدف)
۰/۴۷	خصوصیت نسبت به هدف
۰/۸۲	حضور محافظ توانمند فیزیکی
۰/۸۶	حضور محافظ توانمند اجتماعی
۰/۷۶	سبک زندگی مواجهه (در معرض خطر بودن)
۰/۸۶	سبک زندگی انجام رفتار پرخطر

نتایج آزمون روابط در مدل کلی تحقیق در جدول زیر آورده شده است. با توجه به خروجی نرم افزار آموس و سطوح معناداری برای تحلیل عاملی تأییدی کلی در جدول زیر، تمامی عامل‌ها از بار عاملی مناسبی برخوردار بودند و رابطه آن‌ها با متغیر مکنون در ظاهر تأیید شده است.

جدول (۱۸): نتایج سطح معناداری رابطه‌ها

خطای استاندارد	متغیر	تأثیر	متغیر
۰/۷۸۲	کلامی	<---	آزار جنسی
۰/۴۲۹	غیر کلامی	<---	آزار جنسی
۰/۵۲۲	آسیب پذیری هدف	<---	اهداف مناسب
۰/۴۸۶	قابلیت دسترسی به هدف (مطلوبیت هدف)	<---	اهداف مناسب
۰/۴۷۳	خصوصیت نسبت به هدف	<---	اهداف مناسب
۰/۵۶۹	فیزیکی	<---	حضور محافظ توانمند
۰/۳۳۰	اجتماعی	<---	حضور محافظ توانمند
۰/۷۳۶	مواجهه (در معرض خطر بودن)	<---	سبک زندگی
۰/۶۹۱	انجام رفتار پرخطر	<---	سبک زندگی

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، انواع آزار جنسی غیرکلامی در رابطه با معلولین، مورد ارزیابی قرار گرفت و به منظور فهم دقیق‌تر این پدیده، نمونه آماری متشکل از زنان معلول استان مازندران به تعداد ۳۴۳ نفر مورد پیمایش واقع شدند. براساس نتایج تحقیق، ضرایب همبستگی مربوط به متغیرهای سبک زندگی، اهداف مناسب و حضور محافظ توانمند در کل پاسخگویان حاکی از این است که متغیرهای مذکور با متغیر وابسته آزار جنسی غیرکلامی دارای رابطه معنی‌دار بوده است. نیز، نتایج حاصل از رگرسیون در میان پاسخگویان نشان‌دهنده این امر می‌باشد که متغیر سبک زندگی با دارا بودن بیشترین میزان ضریب رگرسیونی استاندارد شده (۰/۴۴۵) و اثر مثبت و مستقیم بیش‌ترین تأثیر را بر آزار جنسی غیرکلامی زنان معلول استان مازندران داشته است و فرضیه مربوط به آن مورد تأیید واقع شد. هم‌چنین؛ متغیرهای اهداف مناسب با میزان ضریب رگرسیونی استاندارد شده ۰/۱۶۷ و اثر مثبت و مستقیم و نیز حضور محافظ توانمند با ضریب رگرسیونی استاندارد شده ۰/۱۵ با دارا بودن اثر منفی و معکوس هرکدام به صورت جداگانه بر آزار جنسی غیرکلامی زنان معلول اثر معنادار داشته و در نتیجه فرضیه‌های مربوط به اثرگذاری هر یک از متغیرهای مذکور لحاظ تجربی تأیید شد.

اما در خصوص ابعاد متغیر وابسته یعنی آزار جنسی فیزیکی و غیرفیزیکی نتایج گویای این است که در بُعد فیزیکی هر سه متغیر سبک زندگی، اهداف مناسب و حضور محافظ توانمند به ترتیب با دارا بودن ضرایب رگرسیونی ۰/۳۶۷، ۰/۱۶۸ و ۰/۲۰۸ اثر معناداری بر آزار جنسی غیرفیزیکی زنان معلول داشته‌اند. اثرگذاری متغیرهای سبک زندگی و اهداف مناسب به صورت مثبت و مستقیم و اثرگذاری حضور محافظ توانمند منفی و معکوس بوده است. اما در بُعد آزار جنسی فیزیکی متغیرهای سبک زندگی و اهداف مناسب با ضرایب رگرسیونی ۰/۴۴۲ و ۰/۱۵۰ بر آزار جنسی فیزیکی اثر مثبت و معنادار داشتند، این در حالی است که متغیر حضور محافظ توانمند بر آزار جنسی فیزیکی زنان معلول فاقد اثر معنادار بوده است.

همان‌گونه که در ابتدای این پیوستار اشاره شد، به نظر می‌رسد سوءاستفاده جنسی از افراد معلول یک مسئله بسیار شایع در جامعه معاصر است. هرچند به نظر می‌رسد که بسیاری از موارد آزار یا گزارش نمی‌شود و یا برای دیگران غیر از قربانی و مهاجم ناشناخته باقی می‌ماند. نتایج پژوهش حاضر که به منظور بررسی عوامل جامعه‌شناختی موثر بر آزار جنسی غیرکلامی زنان معلول استان مازندران صورت گرفت، نشان داد که آزار جنسی غیرکلامی زنان معلول مورد مطالعه، متأثر از سبک زندگی و فعالیت‌های روزمره آنان بوده است. مطابق با نظریه سبک زندگی، قربانی شدن بر اساس شیوه‌های زندگی افراد و رفتار و کردار آنان در زندگی متغیر است. نوع زندگی افراد نقش کلیدی در آسیب‌پذیری آن‌ها دارد زیرا هر قدر شیوه زندگی یک زن بازتر باشد یعنی فعالیت‌های شغلی، تفریحی و اوقات فراغت وی در خارج از خانه بیش‌تر باشد، در دسترس‌تر و در نتیجه بیش‌تر در معرض بزه‌دیدگی جنسی قرار خواهد گرفت. بدین سان این نظریه توزیع نامنظم بزه‌دیدگی زنان در جرایم جنسی را در زمان و مکان، بر حسب تفاوت شیوه

عوامل اجتماعی موثر بر آزار جنسی غیر کلامی زنان معلول استان مازندران

زندگی آنان تبیین می‌کند. استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی، رفت و آمد شب هنگام به مکان‌های عمومی از شیوه‌های زندگی است که نرخ بزه‌دیدگی زنان در جرایم جنسی را بالا می‌برد (جوان جعفری بجنوردی و شاهیده، ۱۳۹۳: ۴۴). در این بین، زنان دچار معلولیت با برخی از عوامل خطر به صورت منحصر به فردی مواجه هستند که باعث آسیب‌پذیری بیش‌تر آن‌ها در سوءاستفاده‌های جسمی و جنسی می‌شود. این عوامل خطر شامل عدم توانایی برای ترک یک موقعیت آزار به دلیل اختلالات تحرک یا وابستگی به یک مراقب است و در نتیجه آسیب‌پذیری به دلیل محدودیت‌های جسمی، ذهنی و عاطفی افزایش می‌یابد (یانگ و دیگران، ۱۹۹۷: ۳۵).

در نظریه فعالیت روزمره که برای تکمیل نظریه سبک زندگی مطرح شد، بزه‌دیدگی و قربانی شدن زنان با تعامل‌های اجتماعی آنان مرتبط بوده و هم‌زمان با تغییر این تعامل‌ها و خصوصیات، نرخ جرایم و آزارها علیه آنان نیز تغییر می‌کند. مطابق با نظریه فعالیت روزمره، الگوهای زندگی روزمره، زنان را از خانه و خانواده دور می‌کنند و مجرمان، زنانی بدون محافظ کارآمد را پیدا می‌کنند. از طرف دیگر، کاهش اجتماعات سنتی، کنترل‌های اجتماعی غیررسمی را که باعث محافظت کارآمد می‌شوند، تضعیف می‌کند (جوان جعفری بجنوردی و شاهیده، ۱۳۹۳: ۴۴). هم‌راستا با نظریه سبک زندگی، در نظریه فعالیت روزمره خطر قربانی شدن، نتیجه چگونگی رفتار و اعمال فردی می‌باشد. مطابق این دیدگاه، هر چقدر که فرد بیش‌تر بیرون از خانه بماند، خطر مورد آسیب قرار گرفتن و قربانی شدن وی افزایش خواهد یافت چرا که در این صورت احتمال بیشتری وجود دارد که فرد در مسیر ترددی قرار گیرد که مجرمان نیز در آن مکان‌ها حضور داشته باشند. لازم به ذکر است که آسیب‌پذیری هدف، خطر وقوع آزار جنسی را در ابعاد مختلف بیش‌تر می‌کند. به عبارت دیگر، ناتوانی در جلوگیری از انحراف، نقش مهمی در افزایش آن داشته و افرادی که دچار محدودیت‌های جسمی هستند بیش‌تر آماج قربانی شدن رفتارها و آزارهای جنسی منحرفان قرار می‌گیرند. بونز با ترکیب فعالیت‌های روزمره و رویکرد سبک زندگی، معلولیت و آشکار بودن علائم ناتوانی را به عنوان یک شرط محدودکننده در فعالیت‌های روزمره ارزیابی کردند. این علائم شامل: استفاده از عصا، ویلچر یا وسیله دیگر به دلیل ناتوانی بوده است. تجزیه و تحلیل متغیرهای آنان نشان داد که افزایش قربانی شدن را می‌توان به علائم قابل رویت ناتوانی نسبت داد. شواهد به دست آمده از این ایده پشتیبانی می‌کند که احتمال بیش‌تری وجود دارد که مجرمان بانگیزه افرادی را انتخاب کنند که آن‌ها را آسیب‌پذیر می‌دانند (بونز، ۲۰۱۳).

در پایان پیشنهاد می‌شود از آنجایی که بنا بر نظریه سبک زندگی جرم یک اتفاق تصادفی نیست بلکه تابعی از سبک زندگی قربانی است لذا به منظور کاهش احتمال قربانی شدن افراد به ویژه زنان معلول مقتضی است حداقلامکان در صورت اشتغال شیفت‌های کاری که پیش از ساعات شب یا ساعات پرخطر می‌باشد را انتخاب نمایند. به علاوه با توجه به اینکه سبک زندگی پرخطر احتمال قربانی شدن را افزایش می‌دهد فرد معلول با عدم ارتکاب رفتارهای پرخطر در واقع به نوعی از خود در برابر خطرات بالقوه

محافظت خواهد کرد. هم‌چنین نظر به اینکه مدت زمانی که خارج از خانه سپری می‌شود اثری مستقیم و مثبت در قربانی شدن اهداف مناسب خواهد داشت، لذا رعایت موارد ذیل جهت مصونیت بیش‌تر افراد کارساز خواهد بود: کاهش رفت و آمدهای غیرضرور در ساعات پر خطر شبانه‌روز، جایگزینی خریدهای آنلاین به جای خریدهای حضوری، عدم حمل اشیای گران قیمت که موجب جلب توجه دیگران می‌گردد و علاوه بر این در سطح کلان می‌توان با بسترسازی، تقویت و حمایت از راه‌اندازی سازمان‌های دولتی، مردم‌نهاد و غیر دولتی برنامه‌هایی تدارک دید تا نیروهای انسانی فعال (غیر معلول) جهت کمک و همراهی با افراد معلول به کار گرفته شوند تا در مواردی که حضور اشخاص دارای معلولیت در خارج از خانه الزامی نیست، امور توسط این افراد حل و فصل گردد.

منابع

- آقاجانی، نصرالله. (۱۳۸۳). تکثر خشونت در مزاحمت‌های خیابانی. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال ششم، شماره ۲۳: ۱۸۸-۱۶۰.
- جوان‌جعفری بجنوردی، عبدالرضا؛ شاهیده، فرهاد. (۱۳۹۳). نقش زنان بزه‌دیده در ارتکاب جرایم جنسی (با تأکید بر قوانین و مقررات کیفری و رویه قضایی ایران). پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره هفتم، صص: ۷۱-۴۱.
- رجب‌لاریجانی، مهسا. (۱۳۸۹). مطالعه جامعه‌شناختی آزار جنسی زنان در محیط کار. استاد راهنما سهیلا صادقی فسائی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- رضائی، مهدی؛ پرتوی، لطیف. (۱۳۹۴). زنان معلول و تعامل با جامعه (مطالعه‌ی کیفی زندگی اجتماعی زنان معلول). مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، دوره ۱۷، شماره ۶۷، صص: ۴۴-۷.
- صادقی‌فسائی، سهیلا؛ رجب‌لاریجانی، مهسا. (۱۳۸۹). مطالعه‌ی جامعه‌شناختی آزار جنسی زنان در محیط کار. فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۸، شماره ۳، صص: ۱۳۴-۱۱۱.
- علیپوردی‌نیا، اکبر. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی کارتن خوابی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- کردی، حسین؛ حسینی‌نوذری، سید علی‌اصغر. (۱۳۹۴). تجربه انواع آزار جنسی زنان. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، جلد ۱۵، شماره ۵۷، صص: ۳۰-۷.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۸). تجدد و تشخص؛ جامعه و هویت خصی در عصر جدید. ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی؛ یوسفی‌نژاد، الهام. (۱۳۸۹). رابطه بین پذیرش هنجارهای جنسیتی و تجربه مزاحمت‌های خیابانی: مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه شیراز. فصلنامه جامعه‌شناسی، شماره پنجم، دوره دوم، صص ۱۴۷-۱۳۳.

- Bennet, Trever. (1998). Crime and Prevention, in: The Handbook of Crime and Punishment. Edited by Michael Tonry, New York, Oxford University Press.
- Branich, Nicholas. (2014). Routine Activities Theory, In W.G.Jennings(Ed). Encyclopedia of Crime & Punishment, Malden, MA: Wiley-Blackwell.
- Brown, Stephen E; Esbensen, Finn-Aage; Geis, Gilbert. (2010). Criminology: explaining crime and its context. Anderson Publishing, 7th Edition.
- Craft, Ann. (1994). Practice Issues in Sexuality and Learning Disabilities. 1st Edition, By Routledge, London and New York.
- Felson, Marcos. (1994). Crime and everyday life: Insight and implications for society. Thousand Oaks, CA: Pine Forge.
- Felson, Marcos. (1998). Crime & Everyday Life, Second Edition. Thousand Oaks, CA: Pine Forge Press.
- Felson, R.B. & K.B. Burchfield. (2004). Alcohol and the Risk of Physical and Sexual Assault Victimization. Criminology, 42:837-859.
- Finkelhor, David, Asdigian, Nancy. (1996). Risky Factors for Youth Victimization: Beyond a Lifestyle/Routine Activities Theory Approach. Violence and Victims, 11(1): p. 3-19.
- Gilson, Stephen French; Depoy, Elizabeth; Cramer, Elizabeth P. (2001). Linking the Assessment of Self-Reported Functional Capacity With Abuse Experiences of Women With Disabilities. Violence Against Women, Volume: 7 issue: 4, pp: 418-431.
- Hunter Maggie. (2012). Street Harassment in Istanbul. <http://www.hollaback.org>. 2013/10/29.
- Sever, Aysan. (1999). Sexual Harassment: Where We Were, Where We Are and Prospects for the New Millennium Introduction to the Special Issue. CRSA/RCSA, 36.4::469-497.
- Sobsey, Dick. (1994). Violence and abuse in the lives of people with disabilities: The end of silent acceptance?, Baltimore: Brooks.
- Siegel, Larry J. (2007). Criminology, Theories, Patterns, And Typologies. Tenth Edition, Wadsworth, Cengage Learning, USA.
- Stimpson, Liz; Best, Margaret C. (1991). Courage Above All: Sexual Assault A7))ttt WWnttttt ttt iaabilitiss nnnnnr:Dibbbll mmm'''' ttttt t ork..
- Young, M.E., Nosek, M.A., Howland, C., & Chanpong, G. (1997). Prevalence of abuse of women with physical disabilities. Archives of Physical Medicine and Rehabilitation, 78 (12): p. 34-38